

خلاصه بحث

نافله ظهر و عصر در سفر ساقط هستند ولی نافله عشاء به نظر ما ساقط نمی شود.

سقوط نافله ظهر و عصر در سفر

امام راحل فرموده اند:

«و تسقط في السفر الموجب للقصر ثمانية الظهر و ثمانية العصر، و تثبت البواقي، و الأحوط الإتيان بالوتيرة رجاء»^۱.

این مسأله اجماعی است و هیچ کسی اختلاف ندارد که نافله ظهر و عصر در سفر ساقط می شود.

در حدائق چنین آمده است:

«لا خلاف بين أصحابنا (رضوان الله عليهم) في سقوط نافلة الظهرين في السفر»^۲

صاحب جواهر نیز چنین فرموده است:

«و كيف كان فظاهر تقييد المصنف العدد المذكور بالحضر أنها ليست كذلك في غيره، و هو كذلك، إذ تسقط في السفر نوافل الظهر و العصر بلا خلاف أجده فيه، كما اعترف به غير واحد، بل في صريح الروضة و ظاهر السرائر أو صريحها و عن الخلاف و غيره الإجماع عليه، كظاهر الذكرى و عن المعبر و المنتهى، بل و الأمالي حيث نسبته إلى دين الإمامية»^۳

در ریاض نیز نظیر همین آمده است، بنابراین این موضوع جای هیچ تردیدی ندارد و هیچ فقیهی مخالف نیست که نافله ظهر و عصر در حال سفر ساقط می شود.

نصوص

^۱ تحریر الوسيلة (دو جلدی)، الخميني، السيد روح الله، ج ۱، ص ۱۳۱

^۲ الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، البحراني، الشيخ يوسف، ج ۶، ص ۲۴۵

^۳ جواهر الكلام، النجفي الجواهري، الشيخ محمد حسن، ج ۷، ص ۳۴۴

صحیحہ محمد بن مسلم

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَام قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلَاةِ تَطَوُّعاً فِي السَّفَرِ قَالَ لَا تُصَلِّ قَبْلَ الرَّكَعَتَيْنِ وَلَا بَعْدَهُمَا شَيْئاً نَهَاراً».^۴

راوی در این روایت حکم نماز نافله در سفر را پرسیده است، و حضرت فرموده اند که هنگام روز، هنگامی که نماز ظهر و عصر در سفر خوانده می شود، قبل و بعد از آن، نماز نافله ای وجود ندارد.

صحیحہ حذیفه

وَعَنْهُ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَام أَنَّهُمَا قَالَا: «الصَّلَاةُ فِي السَّفَرِ رَكَعَتَانِ لَيْسَ قَبْلَهُمَا وَلَا بَعْدَهُمَا شَيْءٌ».^۵

نماز ظهر و عصر در سفر شکسته می شود، و قبل و بعد از آن نماز مستحبی خوانده نمی شود.

صحیحہ عبدالله بن سنان

وَعَنْهُ عَنِ النَّضْرِ بْنِ سُوَيْدٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَام قَالَ: «الصَّلَاةُ فِي السَّفَرِ رَكَعَتَانِ لَيْسَ قَبْلَهُمَا وَلَا بَعْدَهُمَا شَيْءٌ إِلَّا الْمَغْرِبُ ثَلَاثٌ».^۶

این روایت هم نافله نماز ظهر و عصر را نفی می کند.

ممکن است کسی در اینجا اشکالی مطرح کند و بگوید که مراد از «لیس قبلهما و لا بعدهما شیء» این است که نماز ظهر و عصر در سفر شکسته می شود و بیش از دو رکعت خوانده نمی شود، یعنی اشاره به تعداد رکعات نماز واجب باشد و اصلاً در مورد نافله نباشد.

^۴ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۵۹، أبواب أعداد الفرائض و نوافلها، باب ۲۱، ح ۱، ط الإسلامية.

^۵ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۶۰، أبواب أعداد الفرائض و نوافلها، باب ۲۱، ح ۲، ط الإسلامية.

^۶ وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۶۰، أبواب أعداد الفرائض و نوافلها، باب ۲۱، ح ۳، ط الإسلامية.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۱۳

اما این اشکال صحیح نیست، چون اولاً تعبیر «الصلاة في السفر ركعتان» به وضوح و صراحت دلالت بر معنای خودش دارد و نیازی به توضیح بیشتری ندارد. بنابراین «لیس قبلهما و لا بعدهما شیء» را نمی توانیم تفسیر و توضیح برای جمله قبل بگیریم.

و ثانیاً تعبیر «ركعتان» نشان می دهد که دو رکعت، خودش به صورت کامل خوانده می شود، و اگر بنا باشد رکعاتی قبل یا بعد از آن، به آن ملحق شود باید به شکل منفصل و خارج از فریضه باشد، بنابراین مراد از رکعاتی که قبل یا بعد خوانده می شود همان نوافل است.

و ثالثاً سوال راوی در روایت اول، در مورد نماز نافله بود، و تعبیری که در این روایات آمده است مثل همدیگر است، بنابراین آن روایت اول نیز قرینه می شود که مراد از نماز در این روایت، همان نافله است.

بنابراین با این سه مطلبی که گفتیم، این شبهه و احتمال دفع می شود و معلوم می شود که مراد از این تعبیر، همان نوافل است.

سؤال: نافله ظهر و عصر قبل از نماز خوانده می شود، ولی تعبیر این روایات این بود که قبل و بعد از نماز، نمازی خوانده نمی شود.

جواب: قبل از نماز که همان نافله است، بعد از نماز هم اشاره به قضای نافله است. یعنی در سفر، نافله ظهر و عصر به صورت اداء و قضاء ساقط است و قبل از نماز و بعد از آن، نافله ای خوانده نمی شود.

معتبره صفوان بن یحیی

و عَنْهُ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ أَشِيَمَ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى قَالَ: «سَأَلْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ التَّطَوُّعِ بِالنَّهَارِ وَ أَنَا فِي سَفَرٍ - فَقَالَ لَا وَ لَكِنْ تَقْضِي صَلَاةَ اللَّيْلِ بِالنَّهَارِ وَ أَنْتَ فِي سَفَرٍ - فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ صَلَاةُ النَّهَارِ - الَّتِي أُصَلِّيْهَا فِي الْحَضَرِ أَقْضِيْهَا بِالنَّهَارِ فِي السَّفَرِ - قَالَ أَمَّا أَنَا فَلَا أَقْضِيْهَا».^۷

وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۶۰، أبواب أعداد الفرائض و نوافلها، باب ۲۱، ح ۵، ط الإسلامية.^۷

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۱۳

حضرت در این روایت فرموده اند که در سفر، نافله خوانده نمی شود، ولی نماز شب را اگر خوانده نشد می توان در هنگام روز قضا کرد. اما نافله های روزانه ساقط هستند و چه به صورت اداء و چه به صورت قضاء در سفر ترک می شوند، و حتی اگر در حال حضر نافله ظهر و عصر ترک شده باشد و انسان بخواهد در حال سفر آنها را قضا کند نیز مشروع نیست و نباید قضا کند.

بنابراین یک قاعده کلی داریم و آن اینکه در حال سفر نباید نافله ظهر و عصر خوانده بشود، چه به صورت اداء و چه به صورت قضاء. بلکه حتی اگر در حال حضر چنین نافله ای فوت شده باشد، در حال سفر نمی توان قضای آنرا انجام داد.

صحیحه ابی بصیر

و عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ يُونُسَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «الصَّلَاةُ فِي السَّفَرِ رَكْعَتَانِ - لَيْسَ قَبْلَهُمَا وَ لَا بَعْدَهُمَا شَيْءٌ إِلَّا الْمَغْرِبُ - فَإِنَّ بَعْدَهَا أَرْبَعُ رَكَعَاتٍ لَا تَدْعُهُنَّ فِي سَفَرٍ وَ لَا حَضَرٍ - وَ لَيْسَ عَلَيْكَ قَضَاءُ صَلَاةِ النَّهَارِ - وَ صَلَّ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَ أَقْضِهِ»^۸

این روایت نیز مانند روایات قبل است که نافله ظهر و عصر را در حال سفر ساقط می داند.

تعبیر «لیس قبلهما و لا بعدهما شیء» در این روایت به صورت واضح تبیین شده است که مراد از آن، تعداد رکعات نماز واجب نیست، بلکه نماز نافله است. چون حضرت فرموده که قبل یا بعد از نمازها در سفر چیزی خوانده نمی شود، مگر مغرب که پس از آن چهار رکعت نافله خوانده می شود، بنابراین معلوم می شود که مراد از این تعبیر در سایر نمازها نیز همان نافله است.

این روایت نیز مثل روایت قبلی، نافله ظهر و عصر در سفر را چه به صورت اداء و چه به صورت قضاء نفی می کند، و اشاره به این دارد که حتی اگر نافله در حضر ترک شده باشد، در حال سفر نمی توان قضای آنرا بجا آورد.

وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۶۱، أبواب أعداد الفرائض و نوافلها، باب ۲۱، ح ۷، ط الإسلامية.^۸

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۱۳

سؤال: ممکن است مراد از این قضاء، قضای نافله ظهرین در خود سفر باشد، یعنی اگر کسی نافله ظهر و عصر در سفر را ترک کرد، قضای آن نیز ساقط است. نه اینکه بگوییم اگر در حال حضر ترک کرده بود، در سفر نمی تواند قضای آنرا بجا بیاورد.

جواب: نافله ظهر و عصر در سفر اصلاً مستحب و مشروع نیست، و اصلاً قابلیت فوت هم ندارد، بنابراین قضا هم ندارد و این اصلاً سوال پرسیدن ندارد. فوت شدن یک نماز، فرع بر ثبوت و مشروعیت آن است، بنابراین نمی توانیم این عبارت را ناظر به فوت شدن نافله ظهر و عصر در سفر بدانیم و بگوییم همان نافله ای که در سفر فوت شده است را قضا نکن.

در ذیل روایت، فرموده است که نماز شب را در حال سفر می توان بجا آورد و اگر ترک بشود می توان قضای آنرا نیز خواند.

خبر رجاء بن ابی ضحاک

مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي عُيُونِ الْأَخْبَارِ عَنْ تَمِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ تَمِيمٍ الْقُرَشِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عَلِيٍّ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ رَجَاءِ بْنِ أَبِي الصَّحَّاحِ عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ «أَنَّهُ ... كَانَ لَا يَصَلِّي مِنْ نَوَافِلِ النَّهَارِ فِي السَّفَرِ شَيْئاً»^۹

این روایت نیز نافله در سفر را نفی می کند.

خبر ابی یحیی الحنّاط

وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عِيسَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ وَ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ جَمِيعاً عَنْ أَبِي يَحْيَى الْحَنَاطِ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ صَلَاةِ النَّافِلَةِ بِالنَّهَارِ فِي السَّفَرِ فَقَالَ يَا بُنَيَّ لَوْ صَلَّحْتَ النَّافِلَةَ فِي السَّفَرِ تَمَّتِ الْفَرِيضَةُ»^{۱۰}

این روایت نیز مانند روایات سابق است، و در ذیل آن، حکمت سقوط نوافل در سفر نیز ذکر شده و آن این است که در سفر، خود فریضه نیز شکسته می شود، و اگر بنا بود زیاد نماز خواندن در سفر در هنگام روز مشروع باشد، همان فریضه به صورت کامل خوانده می شد.

وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۶۱، أبواب أعداد الفرائض و نوافلها، باب ۲۱، ح ۸، ط الإسلامية.^۹

وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۶۰، أبواب أعداد الفرائض و نوافلها، باب ۲۱، ح ۴، ط الإسلامية.^{۱۰}

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۱۳

البته این مطلب فقط اشاره به حکمت است و از باب منصوص العله نیست.

در مجموع از این نصوص استفاده می شود که نافله ظهر و عصر در حال سفر ساقط است، و ضمناً از این روایات استفاده شد که اگر در حال حضر نافله ظهر و عصر از انسان فوت بشود، با اینکه در همان حال حضر بر او مستحب است که نوافل را قضا کند، ولی در حال سفر نمی توان قضای آنرا بجا آورد.

سؤال: در این روایات تنها نمازی که نافله اش در سفر مشروع دانسته شد نماز مغرب بود، و فرمودند که بقیه نمازها نافله ندارند، بنابراین نافله عشاء نیز بر اساس این روایات ساقط است.

جواب: ممکن است بگوییم که کلام حضرت ناظر به نماز عشاء نیست، چون وتیره در اصل جزو نوافل نبود و بعداً به نوافل ملحق شد، بنابراین نمی توانیم بگوییم که این روایات مفهوم دارد و حتی نافله عشاء را هم نفی می کند.

آنچه از این روایات استفاده شد این است که نافله ظهر و عصر در سفر ساقط است، و نافله مغرب ثابت است، و نسبت به نافله عشاء ساکت هستند و چیزی را نفی یا اثبات نمی کنند.

بنابراین در مورد نافله عشاء باید بحث مستقلی انجام بدهیم.

نماز وتیره در سفر

در مورد نافله عشاء یعنی وتیره، در بین علماء اختلاف واقع شده است که آیا در سفر ساقط می شود یا خیر.

مشهور بین فقها این است که وتیره در سفر ساقط می شود، و استحباب ندارد، اما در مقابل، شیخ طوسی و جماعتی از قدما و متأخرین قائل به این هستند که وتیره در سفر مشروع است.

صاحب مدارک و صاحب حدائق نیز این اختلاف را نقل کرده اند و متمایل به قول شیخ شده اند.

عبارت حدائق این است:

«انما الخلاف في ركعتي الوتيرة فالمشهور بين الأصحاب سقوطها ايضاً ونقل ابن إدريس فيه الإجماع ونقل عن الشيخ في النهاية انه قال يجوز فعلها، قال في المدارك بعد نقل ذلك عنه: و ربما كان مستنده ما رواه ابن بابويه عن الفضل بن شاذان عن

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۱۳

الرضا (عليه السلام) انه قال: «انما صارت العشاء مقصورة و ليس تترك ركعتها لأنها زيادة في الخمسين تطوعا ليتم بها بدل كل ركعة من الفريضة ركعتين من التطوع».

و قواه في الذكرى قال: لانه خاص و معلل و ما تقدم خال منهما إلا ان ينعقد الإجماع على خلافه.

و هو جيد لو صح السند لكن في الطريق عبد الواحد بن عبدوس و علي بن محمد القتيبي و لم يثبت توثيقهما فالتمسك بعمومات الأخبار المستفيضة الدالة على السقوط أولى.

انتهى كلامه زيد مقامه.

أقول: الأظهر عندي هو القول بما صرح به في النهاية من بقاء استحبابها في السفر كما في الحضر لعدة من الاخبار زيادة على الخبر المذكور»^{۱۱}.

صاحب حدائق فرموده است که مشهور، نافله عشاء را نیز مانند نافله ظهر و عصر در سفر ساقط می دانند، به این اعتبار که خود این نمازها در سفر شکسته می شوند، بنابراین نافله آنها هم ساقط می شود. و حتی نقل اجماع هم بر این قول شده است. ولی از شیخ در نهایت نقل شده که خواندن وتیره در سفر جایز است.

صاحب مدارك این قول را از شیخ نقل کرده و فرموده که شاید مستند قول شیخ، روایت فضل بن شاذان باشد.

در مقابل این روایت، روایت دیگری هم از فضل بن شاذان نقل شده که موافق با قول مشهور است و صاحب حدائق آنرا ذکر نکرده است.

در ادامه هر دو روایت فضل بن شاذان که از نظر سندی معتبر هستند و یکی موافق با مشهور و دیگری مخالف با مشهورند را ذکر می کنیم.

معتبره فضل (موافق با مشهور)

^{۱۱} الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، البحراني، الشيخ يوسف، ج ۶، ص ۴۵.

درس خارج فقه آیت الله سیفی مازندرانی، تاریخ: ۱۴۰۳/۸/۱۳

«وَ إِنَّمَا تَرَكَ تَطَوُّعَ النَّهَارِ وَ لَمْ يَتْرُكْ تَطَوُّعَ اللَّيْلِ لِأَنَّ كُلَّ صَلَاةٍ لَا يُقْصَرُ فِيهَا (لَا يُقْصَرُ فِيهَا بَعْدَهَا مِنَ التَّطَوُّعِ) - وَ ذَلِكَ أَنَّ الْمَغْرِبَ لَا تُقْصِرُ فِيهَا فَلَا تُقْصِرُ فِيهَا بَعْدَهَا مِنَ التَّطَوُّعِ وَ كَذَلِكَ الْعَدَاةُ لَا تُقْصِرُ فِيهَا فَلَا تُقْصِرُ فِيهَا قَبْلَهَا مِنَ التَّطَوُّعِ الْحَدِيثُ»^{۱۲}

این روایت یک قاعده کلی به دست انسان می دهد و آن اینکه هر نمازی که در سفر شکسته می شود نافله اش نیز ساقط است، با این حساب باید بگوییم که نافله عشاء در سفر ساقط می شود.

بنابراین این روایت موافق با قول مشهور است.

معتبره فضل (مخالف مشهور)

«وَ إِنَّمَا صَارَتْ الْعَتَمَةُ مَقْصُورَةً وَ لَيْسَ تَتْرُكُ رَكَعَتَيْهَا لِأَنَّ الرُّكَعَتَيْنِ لَيْسَتَا مِنَ الْخَمْسِينَ وَ إِنَّمَا هِيَ زِيَادَةٌ فِي الْخَمْسِينَ تَطَوُّعًا لَيْتَمَ بِهِمَا بَدَلَ كُلِّ رَكَعَةٍ مِنَ الْفَرِيضَةِ رَكَعَتَيْنِ مِنَ التَّطَوُّعِ»^{۱۳}

مراد از «عتمه» همان نماز عشاء است، و صاحب حدائق که این روایت را در حدائق نقل کرده است بجای لفظ عتمه، از لفظ عشاء استفاده کرده است، حالا ممکن است این تعبیر ایشان از باب نقل به مضمون باشد و یا نسخه بدلی داشته که به این شکل نقل کرده است.

حضرت در این روایت می فرمایند که نماز عشاء خودش شکسته می شود ولی نافله اش در سفر ساقط نمی شود، چون وتیره جزو نوافل اصلی نیست، و برای تکمیل عدد، تشریع شده است.

این روایت صریح است در اینکه وتیره در سفر ساقط نمی شود، ولی روایت اول، ظهور در این داشت که ساقط می شود و صریح نبود، بنابراین باید صریح را بپذیریم و ظاهر را حمل بر آن کنیم و قاعده را تخصیص بزنیم، یعنی باید بگوییم که هر نمازی که در سفر شکسته می شود نافله اش نیز ساقط است، مگر آن نافله ای که اصلی نباشد.

بنابراین به نظر ما حق با شیخ است و وتیره در سفر جایز است.

^{۱۲} وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۶۴، أبواب أعداد الفرائض و نوافلها، باب ۲۴، ح ۵، ط الإسلامية.

^{۱۳} وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج ۳، ص ۷۰، أبواب أعداد الفرائض و نوافلها، باب ۲۹، ح ۳، ط الإسلامية.